

دیدار اقشار مختلف مردم در آستانه ایام شهادت حضرت زهراء (علیها السلام) - 22 / آذر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

این ایام، به سیده‌ی زنان عالم و بانوی بزرگ تاریخ جهان - فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) - متعلق است؛ آن زن نمونه‌ی که حیاتش با همه‌ی کوتاهی و عمر او در عین جوانی، الگویی برای همه‌ی مردان و زنان غیور و مؤمن و مسلمانان و حتی مردم غیر مسلمانی که با مقام آن بزرگوار آشنا باشند، است و ما باید از زندگی آن بزرگوار درس بگیریم. قبلاً لازم می‌دانم ضمن تسلیت این یادبود بزرگ غم‌انگیز و حزن‌آلود به همه‌ی شما برادران و خواهران، به خاطر حضورتان و زحماتی که متحمل شدید و از نقاط مختلف کشور تشریف آوردید و در این جا گرد آمدید، تشکر کنم.

در زندگی زهراي اطهر (سلام الله علیها) يك نکته هست که باید به آن توجه کرد. البته، ما در تعریف مقامات معنوي آن بزرگوار وارد نمی‌شویم و قادر هم نیستیم که مقامات معنوي فاطمه‌ی اطهر (علیها سلام الله) را بفهمیم و درک کنیم. حقیقتاً در اوج قله‌ی معنویت انسانی و تکامل بشری، فقط خداوند است که چنین بندگان را - و کسانی که هم‌طراز آنها باشند - می‌شناسد و مقام آنها را می‌بیند. لذا فاطمه‌ی زهرا را امیرالمؤمنین و پدر بزرگوار و اولاد معصومینش می‌شناختند. مردم آن زمان و زمانهای بعد و ما نیز در این روزگار نمی‌توانیم آن درخشندگی و تلألوی معنویت را در آن بزرگوار تشخیص بدهیم. نور درخشان معنوي، به چشم همه کس نمی‌آید و چشمهای نزدیک‌بین و ضعیف ما قادر نیست که آن جلوه‌ی درخشان انسانیت را در وجود این بزرگواران ببیند.

بنابراین، در صحنه‌ی تعریف معنوي فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) وارد نمی‌شویم؛ لیکن در زندگی معمولی این بزرگوار، يك نکته‌ی مهم است و آن جمع بین زندگی يك زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از يك طرف و بین وظایف يك انسان مجاهد غیور خستگی‌ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضعگیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زند و يك جهادگر به تمام معنا و خستگی‌ناپذیر و محنت‌پذیر و سختی‌تحمّل‌کن است، از طرف دیگر. همچنین از جهت سوم، يك عبادتگر و پیادارنده‌ی نماز در شبهای تار و قیام‌کننده‌ی الله و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می‌کند.

این سه بعد را با هم جمع کردن، نقطه‌ی درخشان زندگی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) است. آن حضرت، این سه جهت را از هم جدا نکرد. بعضی خیال می‌کنند انسانی که مشغول عبادت می‌باشد، يك عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است و نمی‌تواند يك انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال می‌کنند کسی که اهل سیاست است - چه زن و چه مرد - و در میدان جهاد فی سبیل الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمی‌تواند يك زن خانه‌دار با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند يك مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال می‌کنند اینها باهم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد؛ در شخصیت انسان کامل، کمک کننده هم است.

شما باید در محیط کار و زندگی، با همسر و فرزندان و همسایه و دوستانتان، به وظایف شخصی خود عمل کنید و پیوندهای معمولی اجتماعی را به صورت سالم برقرار نمایید. در عین حال، باید در میدان سیاست و صحنه‌ی انقلاب و کارهایی که نظام اجتماعی از شما می‌طلبد و انتخابات و میدان جنگ و عرضه کردن خواست انقلابی و ملی خود در سطح کشور و جهان و بیان اراده‌ی سیاسی خود در میدانهای سیاست و انقلاب، حضور داشته باشید.

شما باید در راهپیمایی و سازندگی و میدان جنگ و انتخابات و بیان عقیده‌ی سیاسی خود - آن جایی که اظهار عقیده واجب است - حضورتان را حفظ کنید و در تعیین سرنوشت کشور و انقلاب مؤثر باشید. در عین حال، رابطه‌ی معنوي و قلبی خودتان با خدا را از طریق عبادت و توجه و ذکر و حضور و معنویت و استمداد از خدا و توکل به او و انجام نوافل و فرائض خوب کنید. این سه بعد، انسان مسلمان را می‌سازد. اسلام، این را از ما خواسته است و اگر

پرسند: چگونه میسر است؟ پاسخ می‌دهیم که ما الگوهایی از جمله فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) داریم. بشر امروز، در چارچوب تمدنهای مادی دنیا و تحت تربیت مکتبهای حاکم بر جهان، انسانی یک بعدی است. اگر سرگرم زندگی می‌شود، غالباً از معنویت غافل می‌گردد. دنیا را ببینید، لابد خوانده‌اید و شنیده‌اید که در کشورهای دور از معنویت - مثل بسیاری از جوامع اروپایی و غیر آنها که البته بین این کشورها هم کم و بیش افراد اهل معنا هستند - نظام، نظام غیرمعنوی و مادی است. در آن جا، مردم سرگرم زندگی و مادیت و تأمین شکم و رفاهند و اصلاً از معنویت و ارتباط قلبی با خدا و توجه و ذکر و دعا و تضرع و گریه و نافله، یادشان نمی‌آید و در غفلت کامل - که بزرگترین بلا و آفت برای انسان است و او را از همه‌ی خیرات موجود محروم می‌کند - بسر می‌برند. وقتی مشغول شکم و اداره‌ی زندگی شخصی می‌شوند، حتی در میدان سیاست هم غافلند. بیشتر مردمی که در کشورهای پیشرفته هستند، درک و تحلیل از مسایل سیاسی ندارند و دولتها با تعصبهای گروهی و حزبی و احیاناً قوم‌گرایی و ناسیونالیستی، آنها را به این طرف و آن طرف می‌کشاند و در میدانهای سیاست، از آنها استفاده می‌کنند و اصولاً توده و عامه‌ی مردم، تحلیل سیاسی ندارند.

اما در اسلام این‌گونه نیست. همین حالا در جامعه‌ی اسلامی ما، مردم تحلیل سیاسی دارند. همین قشرهای محروم کشور، همین عشایر سلحشور غیور، همین عزیزانی که در استان فارس در چادرها یا کوره‌دهها و راههای دور زندگی می‌کنند - که جمعی از آنها هم در این محفل حضور دارند - تحلیل سیاسی دارند. در سایر مناطق کشور هم که من در میان قشرهای مردم رفتم و با آنها صحبت و نشست و برخاست کردم و در مناطق و خانه‌ها و چادرهای خود، زیارتشان کردم، تحلیل سیاسی دارند و سیاست را می‌فهمند و نسبت به مسایل کشور، دارای عقیده و انگیزه و مقصود هستند و می‌فهمند که ما امروز در دنیا با چه کسی طرفیم و توطئه‌ی استکبار جهانی و امریکا یعنی چه. می‌فهمند که چرا دشمن جنگ را بر ما تحمیل کرده بود و متوجهند که دنیای استکباری و قدرتهای مسلح عالم، در جنگی که بر ما تحمیل شد، چرا دایماً از دشمن ما حمایت می‌کردند و هنوز هم بسیاری از آنها می‌کنند. این، تحلیل سیاسی و یک بعد زندگی انسان مسلمان است.

لذا در طول مدت ده سال و چند ماهی که امام فقید بزرگوارمان (رضوان الله تعالی علیه) در میان ما بودند و رهبری امت ما و مسلمانان عالم را بر عهده داشتند، در بیانات ایشان می‌بینید که بر حضور مردم در صحنه‌های سیاسی تأکید می‌کردند. مردم باید کشور ایران را متعلق به خودشان بدانند. سرنوشت این ملت و کشور، دست یکایک شماست. عظمت و عزت دادن به این کشور، ممکن می‌شود؛ وقتی که شما بخواهید. استقلال این کشور، حتمی و ریشه‌دار می‌شود؛ وقتی که مردم بخواهند و در صحنه‌های سیاسی حضور داشته باشند و از انقلاب کناره نگیرند و بدانند که چه می‌کنند و چرا می‌کنند و به چه عزم و نیتی انجام می‌دهند.

حضور مردم، زنده‌کننده‌ی فضای زندگی در یک کشور است. وقتی مردم در سیاست دخالت نکنند و نسبت به اوضاع سیاسی اظهارنظر و دلسوزی ننمایند و ندانند که چه کسی آمد و رفت و چه کسی مسؤولیت پیدا کرد و ندانند که با چه کسی مبارزه می‌کنیم و به کدام سمت می‌رویم، کشور پیش نخواهد رفت. همه باید به مسؤولان کشور کمک کنند. گذشت آن روزی که کشور متعلق به یک‌عده و خانواده‌ی خاصی بود و مردم هم آن را باور کرده بودند. گذشت آن وقتی که مردم از امور کشور بیگانه باشند و به آنها ارتباطی نداشته باشد.

امروز، همه‌ی امور کشور، به همه‌ی مردم در شهرهای دور دست و روستاهای دورافتاده و عشایر و چادرنشینها و مردم شهرهای بزرگ مربوط است. اقتصاد کشور هم به وسیله‌ی مردم و با پشتیبانی آنها باید زنده و فعال بشود. سیاست و استقلال و حضور در صحنه‌ی بین‌المللی و مبارزه با استکبار جهانی هم باید به وسیله‌ی مردم و با علم و آگاهی آنها انجام بشود و به همین خاطر است که گویندگان و صداوسیما و ارتباطات عمومی و رسانه‌های جمعی و روزنامه‌ها و همه‌ی کسانی که با مردم سر و کار دارند، موظفند مردم را نسبت به مسایل مهم کشور و انقلاب و آنچه که بر انقلاب و مسیر آن می‌گذرد و دشمنیهایی که می‌شود و نفوذیهایی داخلی آن دشمنها، آگاه و روشن کنند. باید مردم همه‌ی مسایل مهم کشور را بدانند.

این روزها، انتخابات میان دوره‌یی را در پیش داریم. من، دو توصیه به مردمی که انتخابات به آنها ارتباط پیدا

می‌کند، می‌کنم:

توصیه‌ی اول این است که در انتخابات شرکت کنند و نگویند که میان دوره‌ی است و اهمیتی ندارد. نه، حضور مردم در صحنه‌ی انتخابات و رأی دادن، خود یک کار سیاسی است که مردم باید انجام بدهند. توصیه‌ی دوم این است کسی را انتخاب کنند که تشخیص می‌دهند به صلاح است او به مجلس برود یا افراد مورد اطمینان‌شان، به آنها معرفی می‌کنند.

مجلس شورای اسلامی، یک مرکز اساسی و تعیین‌کننده برای انقلاب است. همه‌ی سر رشته‌های امور، به مجلس شورای اسلامی بر می‌گردد. مجلس، مظهر حضور و اراده‌ی مردم در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی است. اگر مردم چیزی را در زمینه‌های اقتصادی یا سیاسی بخواهند که بشود یا نشود و چیزهایی را بخواهند که به سرنوشت کشور ارتباطی پیدا می‌کند، باید اراده‌ی خویش را از حنجره و زبان نماینده‌ی خود بیرون بدهند و به صورت قانون درآورند و این قانون در سطح کشور عمل بشود. این، تأثیر مردم در قانونگذاری است. بنابراین، مجلس بسیار مهم است و قشرهای مختلف مردم کوشش کنند که امر انتخابات و مجلس را همیشه مهم بشمارند. امام بزرگوارمان در این برهه از زمان، این انقلاب را برای همه‌ی مردم دنیا حجت قرار داد تا بدانند که ملتها می‌توانند کار کنند و ببینند که اراده‌ی ابرقدرتها در سرنوشت کشورها و ملتها تعیین‌کننده نیست. امروز، ملتها می‌بینند که مردم ایران، با اتکال و اعتماد به خدا توانست حرف خود را به کرسی بنشانند. ما به برکت انقلابمان و به برکت اسلامی که این انقلاب را به وجود آورد و به برکت تبعیت از امام و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان، توانستیم راهی را برویم که برای مردم دنیا ناشناخته بود.

امروز، انقلابهایی که وابسته بوده‌اند، خودشان را به یک طرف نشان می‌دهند. آن تحولهایی که در کشورها به وقوع پیوست، اما از متن احساسات و عقاید مردم نجوشیده بود و به یک طرف و یک قطب مرتبط و متصل بود، آخر کار معلوم شد چیزی که اصیل نباشد، سرنوشتش چگونه است.

انقلاب اصیل، این انقلاب است که مبتنی بر دین - آن هم اسلام - می‌باشد و با فکر و خط روشن و جهان‌بینی واضح، پیش روی مردم قرار دارد. ما این راه را ادامه دادیم و باز هم ان شاء الله به فضل پروردگار و با تمسک به اسلام و عمل به قرآن - در تمام جوانب و اطرافش - آن را ادامه خواهیم داد.

امیدوارم که خداوند به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، لطف و فضل خودش را نازل کند. لازم می‌دانم از برادران و خواهرانی که در کار انتخابات زحمت کشیدند و حضور داشتند و تلاش و نظارت و اجرا کردند تا نظم انتخابات تأمین شود، صمیمانه تشکر کنم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته